

## نامه سر بازیه استاد نسیم رهرو،

استاد محترم سلام، امید میکنیم سال نومیسی رادرکشور هالندبه خوشی سپری کنید. اگر درجویای احوالات اینطرف ها باشید، تا نوشتن این خط جوروتیار هستیم. هوای اینجاسرداست، امسال برف هم زیادباریده و نرخی و نواهم بالا رفته. مردم زحمتکش ماروزگار خیلی بدی راتیر میکنند. پول دارهاکه به دالر معاش میگیرند برف یک متره رازیامی بیندولی مامردم برف رامانندزنجیر بدست و پای ماسرد، سنگین و خفه کن در می یابیم.

استادگرامی،

اینکه نوشته میکنید دردها ورنج هار اشرح میدید خیلی خوبست. برای درمان روانی آدم هم مفید میباشد. این نوشته هازللم و استبداد سوسیال- امپریالیزم شوروی و مزدوران و ظفروش خلق و پرچم رافشامیکنند، مردم و خصوصاجوانان می بینند که در این مملکت مردم چقدر زجر دیده و آزار کشیده اند. اما اگر شکنجه و آزاری راکه شما و هزاران هزار انسان دیگر در طی بیشتر از سه دهه دیده، از سر گذرانیده و میگذرانند، در رابطه تنگاتنگ با سوجوئی و غارتگری نظام سرمایداری شرح ندهیدو تنها از زجر و شکنجه ای که در زندان خلق و پرچم متحمل شده اید، بیان کنید، نصف حقیقت را به جوانان گفته اید. زیرا کسانی که شمارا شکنجه کرده از مادر شکنجه گرتولد نشده بودند. این اجحاف و استبداد از یک ایدئولوژی منشامیگیرد و هر ایدئولوژی به یک طبقه تعلق دارد. شکنجه، آزار و بیدادگری سیاست یابعباره دیگر تعبیر ایدئولوژی طبقات حاکم در عمل است. شما استبداد و اجحاف رابیان میکنید و منشای آنها رانگفته میگذارید. این کار شما در ذهن جوانان کشور این نتیجه گیری را القامی کند که فقط خلق و پرچم و روسها "بد" بودند و امپریالیزم امریکا و شرکای جنایت کارش با این قضایا کاری ندارند. در حالیکه امپریالیزم امریکا و شرکای جنایت کارش بدتر از آنچه باشمارفتار شده در ابو غریب و گرام بازندانان رفتار کرده و میکنند. جوانان کشور از شما نباید درس یک چارم حقیقت گفتن رابیاموزند. شما باید تصویر از ماهیت سرمایداری ترسیم کنید و به مردم افغانستان و بویژه جوانان آن بگوئید که این هیولا که سرمایداری نام دارد گاهی به شکل سوسیال- امپریالیزم با خلق و پرچم به شکنجه، کشتار و قتل عام شما دست میزند و گاهی بشکل امپریالیزم با طالب، مجاهد و خابنین ملی.

استاد بی نهایت گرامی،

امروز در افغانستان ارتش بیشتر از 42 کشور باتوپ و تانک، طیاره و راکت، ماشیندار و آتشبار، بمبهای خوشه ای و تسلیحات لایزری شان به مردم مالزبالانگاه میکنند. درست است که شما درکشور هالند زندگی میکنید و جرات نمیکنید که علیه این تباهاکاران حرف بزنید، اما از نظر سیاسی؛ بالکل حرف نزدن بهتر از حرف زدن در مورد جنایات یک رژیم مزدور در گذشته است، زیرا آنچه در حال حاضر عمده است معطوف ساختن توجه مردم آزادخواه افغانستان به اعمال تحقیر آمیز و اسارت مردم کشور میباشند. داستان سرائی. داستان های دردناک شما توجه مردم رابا خود بگذشته میبرد و جنایات جنایتکاران کنونی را تحت الشعاع قرار میدهند.

تازه شما این داستان هار از طریق وب سایت تسلیم طلبان به نشر می سپارید و نام شما بعنوان یک سامائی که بامجید شهید خون شریکی دارید، وسیله آبرومندی وب سایتی میشود که کارش تبلیغ علیه اندیشه انسانی و بنشر سپردن نفرین و ناسزابر رهبران طبقه کارگر میباشد. من که شمارا از نزدیک می شناسم و میدانم که شما یک انسان شریف هستی و کسی که شما رانمی شناسند به شرافت شما شک میکنند. همکاری با وب سایت "گفتمان" بمعنی همکاری با تسلیم طلبان، میهنفروشان و عناصر مزدور و وابسته مانند دادر سپینتاو غیره میباشد.

استاد محترم،

ما بعنوان شاگردان شما که روزی از شما یک حرف درست ریا یاد گرفته ایم، تقاضا داریم که شما برای آزادی مردم و وطن از جنگال اشغالگران موضع بگیرید و جنایات ضد انسانی آنها و برادران جهادی شان رافشاکنید. معرفی ماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک وب سایت گفتمان یک قسمت از این کار است، اما بدبختانه شمارسالت اولی رانادیده میگیرید و در قبال وظیفه دومی که رسالت وجدانی و شرافتمندانه هر قلم بدست ملی- دموکرات است، عکس آنرا عملی میسازید. امیدوارم از حرف های من آزرده خاطر نشوید، الفت استادی و شاگردی همیشه بر سر بحث بر روی حقایق می چرخد.

دست های تان را می فشارم و امیدوارم از اروپا و هالند پرگل تان لذت ببرید.

شاگردتان بسم الله